

ادعاهایی که هنوز ثابت نشده‌اند

داستانی شیطانی برای جنایت شب میهمانی



شهرری دریافت کرد که بوی جنایت می‌داد.

با حضور مأموران در محل بعد از مهار فاجعه سوزان توسط آتش نشانان در بررسی‌های مشخص شد جسد سوخته مردی در خودروی پراید قرار دارد اما قابل شناسایی نیست.

یک جنایت آتشین

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران دریافتند خودرو از مکان دیگری به آنجا منتقل شده‌است و آتش سوزی عمدی اتفاق افتاده‌است.

خیلی زود بررسی‌های پلیسی نشان داد قربانی جنایت مردی به نام قادر است. همچنین با تشخیص هویت جسد مشخص شد قادر به تازگی از شهرستان به تهران آمده و شب قبل از حادثه در منزل یکی از بستگان خود میهمان بوده‌است.

میهمانی مرموز

تیمی از اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای رازگشایی وارد عمل شدند و در اولین گام از تحقیقات یکی از بستگان مقتول به نام نادر همان صاحبخانه‌ای که آن شب مقتول در آنجا میهمان بود به عنوان اولین مظنون بازداشت شد.

نادر در بازجویی‌ها گفت: «آن شب مقتول با برادرزنم در یک اتاق خوابیده بودند، وقتی صبح از خواب بیدار شدم متوجه شدم او در خانه نیست، دیگر از

او بی‌خبر بودم تا اینکه فهمیدم فوت کرده‌است.»

بعد از ادعاهای نادر برادرزن او به نام مه‌ران نیز بازداشت شد اما وی با اظهارات ضدتقاضی از مرگ قادر ابراز بی‌اطلاعی کرد.

همسر نادر سومین کسی بود که شب حادثه در خانه بود بازداشت شد اما او نیز قتل را انکار کرد و گفت متوجه نشده‌است چه موقع قادر از خانه آنها بیرون رفته‌است.»

اعتراف

با گذشت چند ماه از حادثه در حالی که تحقیقات در این زمینه ادامه داشت بالاخره پدر خانواده لب به اعتراف گشود و با اقرار به جرمش گفت: «آن شب برادرزنم مقتول را به عنوان میهمان به خانه ما آورده بود. بعد از خوردن شام پسرمن کنار اتاقی که در آن نشسته بودیم خواب بود. او را بغل کردم و به اتاق خواب بردم. همسرمن در اتاقی دیگر تنها خوابید و من و برادرزنم و مقتول کنار پسرمن خوابیدم.»

نادر در ادامه گفت: «تیمه‌های شب همسرمن مرا بیدار کرد و گفت پسرمن حالش خوب نیست و پریشان است. وقتی سراغ پسرمن رفتم و از او سؤال کردم، متوجه شدم مقتول قصد اذیت و آزار پسرمن را داشته‌است. از اینکه او حرمت خانه‌ام را نگه نداشته بود عصبانی

شدم و از برادرزنم خواستم مرا کمک کند تا مقتول را خفه کنم. آنجا بود که برادرزنم به من کمک کرد و او را به قتل رساندیم.»

با ثبت اظهارات متهم برادر زن وی «مه‌ران» نیز بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت. او نیز با اقرار به جرمش گفت: «مقتول را من به خانه خواهرم برده بودم به همین دلیل وقتی فهمیدم او قصد خیانت داشته‌است چاره‌ای نداشتم جز اینکه به نادر کمک کنم.»

او در ادامه گفت: «بعد از اینکه مقتول را خفه کردیم نادر که قوی‌هیكل بود خودش به تنهایی جسد را روی دوشش گذاشت و سوار خودروی پراید مقتول کرد. سپس به خیابان خلوتی در شهر ری رفتیم و نادر خودرو را به آتش کشاند.»

در ادامه همسر نادر با تأیید اظهارات شوهر و برادرش گفت: «آن شب پسرمن با گر به مرا بیدار کرد و گفت مقتول قصد آزار او را داشته‌است. از ترس همسرمن را بیدار کردم که او هم عصبانی شد و قادر را به قتل رساند.»

دادگاه اول

بعد از اعتراف متهمان و بازسازی صحنه جرم از سوی آنها نادر به اتهام مباشرت در قتل و مه‌ران به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند. پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری

یک استان تهران فرستاده شد اما در اولین جلسه رسیدگی به خاطر نقص در پرونده، ریاست دادگاه آن را برای تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی فرستاد.

دادگاه دوم

صبح دیروز پرونده بار دیگر روی میز هیات قضایی همان شعبه به ریاست قاضی توکل قرار گرفت.

ابتدای جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای دم، نادر در جایگاه قرار گرفت و با قبول جرمش بار دیگر ماجرا را شرح داد و گفت: «پسرمن بعد از این حادثه ناراحتی روحی گرفت و در یک بهزیستی تحت درمان است. مقتول به ما خیانت کرد به همین دلیل باید کشته می‌شد.»

سپس مه‌ران نیز به اتهام معاونت در قتل در جایگاه قرار گرفت و گفت: «قصد قتل نداشتم اما نادر مرا مجبور کرد تا به او کمک کنم. در زمان قتل همراه نادر بودم اما او خودش به تنهایی مقتول را کشت و خودروی او را به آتش کشاند.»

سپس وکیل اولیای دم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «متهمان دروغ می‌گویند. آنها به خاطر ۴۰۰ میلیون تومان عتیقه با مقتول اختلاف داشتند و به خاطر همین او را کشتند.»

بنابه این گزارش: در پایان هیات قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.



آشپز خانه رفتم و برای اینکه مانع رفتنم به کمپ شوم در برابر چشمان مادرم با چاقو شروع به خودزنی کردم.

وی افزود: وقتی خودزنی کردم از مادرم خواستم تا آنها را از خانه خارج کند و در این صحنه مادرم در خانه را باز کرد تا کارمندان کمپ از خانه خارج شوند که در این‌همین لحظه متوجه شدم یکی از کارمندان پشت در پنهان شده و به دنبال فرصت است که از این‌همین کمپ قاتل جوان ادامه داد: عصبانی بودم و نمی‌خواستم به کمپ ترک اعتیاد بروم به همین

خاطر چاقویی که در دست داشتم را به سمت مرد جوان پرتاب کردم که ناگهان مرد جوان روی زمین افتاد که از ترس پا به فرار گذاشتم. حامد افزود: پس از این اتفاق پا به فرار گذاشتم و فرودای آن روز شنیدم که مرد جوان به کام مرگ فرو رفته‌است و مدتی در خیابان‌ها پرسه می‌زدم اما نیاز به پول داشتم و فکر می‌کردم دیگر پلیس به در خانه‌مان نمی‌آید به همین خاطر برای گرفتن پول از مادرم به خانه باز گشتم و هنوز لحظاتی از نگذشته بود که پلیس سرسید و مرا دستگیر کرد.

و بیشتر طعمه‌هایمان مردان بودند. ■ **چرا از مرد دزدی می‌کردی؟** چون دلم نمی‌خواست از زن هاسرقت کنم خودم خواهر و مادر دارم. ■ **در کدام مناطق دزدی می‌کردی؟** بیشتر در تقاطع‌ها کمین می‌کردم و در یک لحظه گوشی طرف را می‌قاییدم و بعد فرار میکردیم و گوشی را به مالخر می‌فروختم حدوداً ۴۰۰ تومان، هر گوشی نصف خودم و نصف امید نفری ۲۰۰ هزار تومان.

■ **پس برای همین داوود دویستی صدات می‌کنند؟** بله

■ **چطور دستگیر شدی؟** در خیابان شریعتی بودیم که یک گوشی زدیم غافل از اینکه پلیس کمین کرده بود و تعقیبمان کردند همه راه‌ها را بسته بودند که گیر افتادیم.

■ **حرف آخر؟** من پدر زحمت کشی دارم مادرم هم خیلی برای من تلاش کرد. دو برادر بزرگتر و یک خواهر و برادر کوچکتر از خودم دارم و نمی‌دانم چطوری باید به صورت‌شان نگاه کنم ، چون جز سرمندگی چیزی برام نمانده و خجالت میکشم، هر بلای سرم آمده برای رفیق بازی بوده‌است. بنابه این گزارش، متهمان برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفته‌اند.



■ **ایرج کجاست؟** من همان یک بار با ایرج به دزدی رفتم بعد آن روز ایرج دستگیر شد و الان زندان است.

■ **چرا دوباره دزدی کردی؟** پول مفت به من مزه کرده بود تصمیم گرفتم خودم جای ایرج را بگیرم.

■ **همدست داشتی؟** بله، پیش یکی از دوستانم رفتم تو محل همه بهش می‌گفتند امید موتوری دست فرمون خوبی داشت بهش پیشنهاد کردم که او هم قبول کرد.

■ **چه کسانی را هدف سرقت قرار می‌دادی؟** ما از کسانی که سرشون تو گوشیون بود دزدی میکردم

مرگ ۶ فوتبالیست در سانحه رانندگی

۶ فوتبالیست پرویی در سانحه تصادف اتوبوس کشته شدند. سانحه دلخراش تصادف اتوبوس فوتبالیست‌های زیر ۱۴ سال در پرو ۷ کشته و ۱۲ مجروح بر جای گذاشت. ۶ فوتبالیست به همراه راننده در این حادثه کشته شده‌اند. اتوبوس حامل فوتبالیست‌ها به دلیل برخورد با درختان واژگون شده‌است. براساس اعلام وزارت داخلی پرو در جاده‌ای که این حادثه رخ داده‌است تنها در سال ۲۰۱۷، ۲ هزار و ۷۰۰ نفر کشته شده بودند.

نجات کودک ربوده شده از چنگال آدم‌ربایان

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی فارس از نجات پسر بچه ۱۰ ساله از دست آدم‌ربایان در نی ریز خبر داد. سرهنگ کاووس محمدی گفت: ۱۳ آدم ربایه وسیله یک پژو ۴۰۵ در ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه راه یک سرویس مدرسه را در بلوار بعثت شیراز سد کردند و یک پسر بچه را ربودند. وی گفت: بلافاصله همه‌ایست‌های بازرسی استان باخبر شدند و بالگرد پلیس به پرواز درآمد تا خودرو را متوقف کنند. این مقام پلیسی بابیان این که به دلیل وجود کودک در خودرو، مأموران از شلیک خودداری کردند، افزود: پس از گذشت از چندایست بازرسی، خودرو همراه ۳ آدم‌ربا در ایست بازرسی‌نی ریز متوقف شد. سرهنگ محمدی گفت: حال کودک خوب است و تحقیقات برای انگیزه آدم‌ربایان ادامه دارد.

تعطیلی یک مدرسه بخاطر درگیری خونین در شوش

فرماندار شوش از تعطیلی یک مدرسه روستایی در این شهرستان به دلیل درگیری مسلحانه طایفه‌ای خبر داد. عدنان غری فرماندار شوش گفت: روز سه‌شنبه درگیری طایفه‌ای در روستای ترویج رخ داد که منجر به کشته شدن دو نفر از اهالی روستا و زخمی شدن ۸ نفر دیگر شد. وی افزود: باتوجه به اینکه امکان درگیری مجدد در بین طرفین وجود دارد به منظور امنیت بیشتر دانش‌آموزان مدرسه این روستا تعطیل شد. فرماندار شوش گفت: این تعطیلی فقط مختص به روز گذشته بوده و در هفته آینده مدرسه باز است و در تلاش هستیم که هر چه سریع‌تر مشکل درگیری بین ۲ طایفه حل شود.

شایعه پراکن استامینوفن کشنده دستگیر شد

عامل شایعات استامینوفن کشنده در شبکه‌های اجتماعی دستگیر شد. مدتی است که شایعه‌ای در خصوص استامینوفن‌های کشنده در فضای مجازی و شبکه‌های غیر رسمی منتشر شده‌است که متن این شایعه بدین شرح است: طبق اطلاعیه بیمارستان الزهرا قرص استامینوفن جدیدی وارد بازار شده‌است که در زیر آن به صورت ریز نوشت شده «دگلو فین یا پاکوفن» به هیچ وجه استفاده نکنید که ظرف مدت ۷۲ ساعت سبب مرگ می‌شود. ایرج حریری سخنگوی وزارت بهداشت از دستگیری عامل پخش شایعه استامینوفن‌های کشنده بیان دگلو فین یا پاکوفن در یکی از شهرستان‌ها خبر داد و گفت: این شایعه از یک سال پیش به‌طور گاه‌گاه منتشر می‌شد. تا اینکه سرانجام عامل آن در یکی از شهرستان‌ها دستگیر شد اما هنوز انگیزه‌ی وی از انتشار این شایعه مشخص نشده‌است. وی اضافه کرد: به‌طور کلی دارویی به این نام وجود ندارد. علاوه بر این نظارت‌های دقیق و سختگیرانه مابین داروخانه‌ها همچنان ادامه دارد.

مرگ دردناک دختر خرم‌آبادی در چاهک آسانسور

دختر خرم‌آبادی بر اثر سقوط در چاهک آسانسور در یکی از ساختمان‌های مسکن مهر جان خود را از دست داد. حمید علیرضایی، رئیس سازمان آتش‌نشانی شهرداری خرم‌آباد گفت: حدود ساعت ۵ عصر دوشنبه خبری مبنی بر سقوط یک نفر از ساکنان بلوک D۳۳ خیابان مهر ۶، فاز یکم مسکن مهر کمالوند در چاهک آسانسور به آتش‌نشانی رسید. تیم‌های عملیاتی سازمان پس از رسیدن به محل سریع اقدامات لازم را برای خارج کردن جسد دختر جوان از چاهک آسانسور انجام دادند این ختم ۲۸ ساله از طبقه سوم در چاهک آسانسور سقوط کرده و در دم جان باخته بود. مر ضیه قنبریان، مدیر کل استاندارد لرستان با اشاره به این حادثه گفت: ما کارشناسان خود را برای بررسی علت حادثه اعزام کرده‌ایم. ما بارها در جلسات مختلف در رابطه با آسانسورهای مسکن مهر هشدار داده‌ایم، متأسفانه در این زمینه اقدامی صورت نمی‌گیرد. چرا که تعداد آسانسورهای یاداست، به‌برخی از آنها پروانه داده‌ایم و به برخی دیگر نداده‌ایم، باید کارشناس وضعیت ابررسی کند و سپس در این زمینه اطلاع‌رسانی خواهیم کرد.

از سوی پلیس دستگیر شد

اعترافات «داوود ۲۰۰» به سرقت‌های خیابانی

گروه حوادث: ۲ پسر جوان که سوار بر موتور در خیابان‌های تهران گوشی‌هایی می‌کردند در عملیات پلیسی دستگیر شدند. چندی قبل مأموران پلیس تهران در جریان گوشی‌هایی که دو پسر جوان قرار گرفتند و خیلی زود تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین برای دستگیری دزدان موتور سوار وارد عمل شدند. مأموران در گام نخست تحقیقات پی‌بردند و دو پسر جوان سوار بر موتور در خیابان‌های اصلی مرکز پایتخت پرسه‌زنی می‌کنند و در فرصتی مناسب و در چشم برهم‌زدنی گوشی طعمه‌هایشان را می‌قایند. همین کافی بود تا مأموران به صورت نامحسوس مناطقی که سرقت‌ها رخ داده را تحت نظر قرار دهند تا اینکه روز سه‌شنبه ۲۲ آبان ماه سال جاری دو پسر جوان سوار بر موتور وارد خیابان طالقانی شدند. مأموران که به رفتارهای دو پسر جوان مرموز شده بودند آنها را به صورت نامحسوس تحت‌نظر قرار دادند تا اینکه در آن اقدام به قاپیدن گوشی موبایل پسر جوانی که در حال عبور از خیابان بود کردند. بدین ترتیب تعقیب و گریز پلیسی برای دستگیری متهمان کلید زده شد و مأموران در چند تیم عملیاتی مسیر دزدان موتور سوار را مسدود کرده و موفق به دستگیری این دو جوان موتور سوار شدند. سارقان که راهی جز اعتراف نداشتند پس از دستگیری به گوشی‌هاییشان اعتراف کردند.

گفت‌وگو با سارق تازه‌کار

داوود که پس از اولین سرقت و سوسه پول دزدی شده بود بعد از دستگیری همدستش به سراغ یک موتور سوار حرفه‌ای رفت و در خیابان‌های پایتخت دست به دزدی می‌زد.

خود را معرفی کن؟

داوود هستم ۱۸ سال دارم دوستانم مرا داوود دویستی «۲۰۰» صدا می‌زنند.

چطور وارد دنیای تبهکاری شدی؟

من در یک خیاطی کار می‌کردم و چهار ماه قبل یکی از دوستانم به من گفت برای شرکت در قرعه‌کشی دوستانه پول نیاز دارم و پیشنهاد داد که ترک موتور ش بشینم و به خیابان شریعتی برویم و راه و روش سرقت را یاد بدهد.

شیوه و شگرد؟

این که کجا سرقت کنیم و چه موبایلی را بقاییم، از چه کسی بقاییم بعد دزدی از کدام راه‌آفرار Escape کنیم که گیر نکنیم. روز اول که در خیابان شریعتی رفتم یک گوشی 2] سامسونگ از مردی میانسال در دیدم بعد ایرج کوشی را در خیابان مولوی ۴۰۰ هزار تومان به یک مالخر فروخت و نصف پول را به من داد.